رمان عقاید

پارسی نژاد، کامران

رمان عقاید اصولا نگاهی عمیق و کاونده به مباحث بحث‏برانگیز و دیدگاهها و آراء گوناگون دارد.فضای این رمان مملو از مباحث‏ عمیق فلسفی،اجتماعی،روانشناختی،سیاسی،مذهبی...است. نویسنده رمان عقاید،در قالب پرداخت اثر خود آنچنان به سازه‏های‏ داستانی چون حادثه،کشمکش،شخصیت‏پردازی عنایت و توجه‏ نشان نمی‏دهد.براساس گفته تحلیلگران ادبی،آلدوس هاکسلی‏ تاکنون توانسته بهترین رمانهای عقاید را خلق کند.او با یادداشت‏برداری‏

رمان عقاید

تجربیات خود توانست‏ بتدریج اصول و مبانی اولیه طرح رمان عقاید را پی‏ریزی‏ کند.لازم به ذکر است رمان عقاید با آن دسته از رمانهای که به‏ طور تصادفی به برخی عقاید و دیدگاهها اشارتی دارد متفاوت است. این نوع از رمان عملا به تمامی سازه‏ها و شیوه‏های روایتی مرسوم‏ و سنتی پشت کرده و راه خود را طی می‏کند.رویه ثابت و معیارگونه‏ برای خلق رمان عقاید در بدو امر،انتخاب نوع شخصیتهای داستانی‏ است.نویسنده رمان در همان ابتدا می‏بایست میان شخصیتها و مطالبی که قرار است صحبت کند هماهنگی لازم را ایجاد کند. در این مرحله جنس،نژاد،طبقه اجتماعی،میزان تحصیلات، زبان مادری و...تأثیر بسزایی در روند شکل‏گیری حوادث و جدلها و مناظره‏هایی دارد که در داستان قرار است رخ دهد.در رمان عقاید نویسنده همواره در جستجوی افراد و یا گروههای خاصی است که‏ حرفی برای گفتن داشته باشند و بتوانند برای دفاع از عقاید و آراء خود دلایلی را مطرح سازند.برخی بر این باورند که رمان عقاید به‏ دلیل عدم توجه به عناصری چون حالت تعلیق،کشمکش و حادثه‏ فاقد جذابیت و گیرایی لازم است.ازاین‏رو کمتر نویسنده‏ای به‏ مصاف این نوع رمان می‏رود.از سویی دیگر،تحلیلگران معتقدند این نوع رمان نمی‏تواند مخاطبان بسیاری را به سمت خود جلب‏ کند.باید به خاطر داشت که علایق و گرایشات مخاطبان امری‏ نسبی است و نمی‏توان حکم قطعی داد که حادثه تنها عامل ایجاد جذابیت است؛چراکه برای بسیاری هم مطالعه مبانی اعتقادی و قیاس میان نقطه‏نظرات گوناگون می‏تواند جذاب و گیرا باشد. هاکسلی خود بر این باور است که قیاس میان تمامی آراء و نظرات مطرح شده در اثر می‏تواند به انسان روح و حیات دوباره‏ بدهد.و این حالت زمانی رخ می‏دهد که عقاید مطرح شده یک‏ سویه و با قصد و غرض قبلی طرح نگردد و به نوعی تمام دیدگاههای‏ گوناگون فرصت مناسب برای دفاع از خود را داشته باشند. فیلیپ کوارلز جذابیت و گیرایی یک رمان را در طرح عقاید می‏داند.بر این اساس،او عقاید گوناگون مطرح شده در رمانها را دارای کیفیتی دراماتیکی می‏داند.یکی از دغدغه‏های رمان‏نویسان‏ عقاید چون او دوری از قضاوت و پیشگویی سریع و بی‏تأمل است. در این راستا،تمامی آراء،احساسات و حالات درونی و فیزیکی‏ انسانها در بستر داستان موردبررسی عمیق قرار می‏گیرد.کوارلز در جامعه ادبی به‏عنوان یک روشنفکر مدرن شناخته می‏شود.او خود را در میان مردم چونان غریبه‏ای می‏داند که برای اولین بار به سرزمینی بیگانه قدم گذاشته است.درحقیقت او براحتی قادر به‏ ایجاد ارتباط باسایرین نیست و تنها می‏تواند با افرادی ساعتها بحث‏ و جدل کند که به زبان طرح عقاید و آراء پیچیده آشنا هستند. یقینا یکی از علومی که پیوندی عمیق و دیرینه با رمان عقاید دارد فلسفه است.طرح مباحث فلسفی از دیرباز در رمانهای عقاید مطرح بوده و غالبا تمامی آراء فلسفی غرب این فرصت را پیدا کرده‏اند که مطرح گردند.در این راستا،نویسنده رمان به تمامی‏ رویدادها و مباحث گوناگون از منظری چند لایه و چند بعدی نگاه‏ می‏کند.او می‏داند که هر نقطه‏نظر ارائه شده،به هر صورت با سایر دیدگاهها متفاوت است و برای خود هوادارانی دارد.این درحالی‏ است که انسانها باتوجه به سن،جنسیت،مقام،زمان حیات و... نسبت‏به هر واقعه‏ای دیدگاه خاصی دارند.همچون دیدگاه یک‏ پزشک،محقق،وکیل،تاجر،باغبان و...که یقینا با یکدیگر متفاوت‏ است.حال آنکه سایر عوامل دیگر نیز در این ارتباط دخیل هستند. سوی دیگر این قضیه نویسنده‏ای است که قصد دارد تمامی‏ آموزه‏ها و آراء این افراد را در پیش روی چشمان مخاطبان خود به‏ تصویر درآورد.براین اساس،منتقدین و صاحبنظران ادبیات از یک‏ نویسنده مجرب رمان عقاید توقع دارند تا در کوتاه‏ترین زمان بتواند خود را به جای افراد مختلف بگذارد و به جهان و تمامی پدیده‏های‏ آن از منظر نگاه آنان بنگرد و در انتها بتواند در کمال ایجاز و هنرمندی پس از تقابل و قیاس به نتیجه‏گیری دقیق و حساب‏شده‏ دست یابد.او از سوی دیگر باید به نظام درونی و بیرونی رمان و قواعد حاکم بر آن وفادار باشد.و از این حربه در جهت طرح مسائل‏ مطروحه سود ببرد.در رمان عقاید،هنگامی که تمامی ابعاد وجودی‏ و رفتاری انسان یا حتی یک ایده و نقطه‏نظر با شخصیتهای رمان‏ تلفیق می‏گردد،تازه به شکل و شمایل«گرایش انسان»و«حال‏ وهوای او»ظاهر می‏شود.این گرایش و حال‏وهوای انسان با توجه به شیوه روایتی رمان‏نویس در بستر داستانی به عمل و کنش‏ مبدل می‏گردد.معمولا نشان دادن کنشهای مختلف بر این پایه‏ کاری بس سخت و صعب است.به همین دلیل کمتر نویسنده‏ای‏ می‏تواند انواع کنشها و اعمال را براساس گرایشات فردی و حال‏ وهوای شخصیتها مطرح سازد.ازاین‏رو در رمان عقاید غالبا کنشها بسیار مشابه و یکسان خلق می‏گردند و کمتر نویسنده‏ای توانسته‏ به تنوع و گوناگونی لازم دست یازد.

لازم به ذکر است که کنشهایی از این دست،از سوی انسانها پدید نمی‏آید بلکه مقصود اعمالی است که در اثر طرح ایده‏ها و عقایدی که در جهان معاصر مطرح بوده به وجود می‏آید.معمولا مقالات تخصصی رشته‏های مختلف علوم انسانی درصدد طرح‏ مسائل پیرامون خود و اثبات و رد برخی مباحث هستند،اما رمان‏ عقاید همواره می‏کوشد تا تمامی مسائل مطرح شده را پیش چشمان‏ مشتاقان نشان دهد.این امر میسر نمی‏شود مگر آنکه نویسنده از ذهنیت برتر برخوردار باشد و هوشمندانه به تفکر و تفحص پیرامون‏ مسائل گوناگون مبادرت ورزد.آلدوس هاکسلی بیشتر برآن است‏ تا به جنبه‏های روانشناختی بپردازد.او بر این باور است که حقایق‏ کاملا درونی هستند و باید ازطریق مکنونات درونی انسانها یافته شوند.او همچنین معتقد است که حقایق روانشناختی برای‏ اکثریت مردم جالب و قابل توجه است.تفسیر و تأویلهای بی‏نهایتی که ممکن است پیرامون هر دیدگاه باشد باعث می‏گردد تا رمان‏ عقاید پیچیده‏تر و عمیق‏تر خلق گردد.در این میان تأکید بر گرایشات فردی و جمعی از عوامل بسیار مهم و جنجال‏برانگیز رمان عقاید به حساب می‏آید:ظاهرا گرایش به وجود وحدت در میان تمامی عناصر و رویدادهای جهان با اصل فوق در تضاد است. البته منظور از وحدت،یکدستی موجود در علوم و دانش عقلی‏ است و این وحدت براساس تجارب گوناگون بشر از جهان هستی‏ شکل می‏گیرد.اصولا انسانها همواره در جستجوی راه‏حلهای‏ مختلفی هستند تا از آن طریق میان خود و ساحت هستی ارتباط دوسویه برقرار سازند.با این حال انسانها از مواجه شدن با حقیقت‏ مطلق بیم دارند.نکته قابل توجه این است که همین انسانها برای‏ تسلط بر جهان و تحمیل قوانین خاص خود شتاب می‏ورزند. همین انسان فرصت‏طلب پس از مشاهده تنوع بسیار حاکم بر جهان سخت برآشفته می‏گردد.رمان‏نویسان عقاید بسیار در تلاش‏ هستند تا اولین احساس و واکنش انسان را پس از مشاهده‏ پدیده‏های متنوع جهان ثبت و منعکس سازند.و از آنجا که انسان‏ فطرتا تمایل به نظم و گونه‏بندی دارد پس از مواجه شدن با انبوهی‏ از رویدادها دچار رعب و هراس می‏گردد.در این رهگذر،رمان‏ عقاید خود را درآوردگاهی بس عظیم می‏یابد،چراکه قصد دارد تا تمامی جریانهای فکری،ایدئولوژی،باورهای فردی،قومی... انسانها را تفسیر کند و اجازه دهد تا آنها به مصاف هم روند و جدل‏ و بحثهای عظیم را باعث شوند.در اینجا،هدایت این حرکت‏ بزرگ نیازمند توانمندی و اشراف رمان‏نویس به تمامی داده‏ها و اطلاعات ضروری است.

بدیهی‏ست که این نوع رمان برای گروه سنی و افرادی خاص‏ قابل استفاده باشد.برای انسانهایی که کمتر می‏توان چارچوب و قواعد مدونی برایشان آماده ساخت.در این رمان،بیان گرایشات‏ و حال‏وهوای انسانها نباید به شکل رمز و با کنایه مطرح گردد. پیچیدگیهای تصنعی و کاذبی که برخی نحله‏های ادبی معاصر چون پست‏مدرنیسم به راه انداختند نمی‏تواند در ساخت رمان‏ عقاید مفید واقع گردد.رمان عقاید خود را موظف به تفسیر و توصیف‏ حالات گوناگون انسانها می‏داند،بدین‏ترتیب بازگویی مسائل با زبان تمثیل و یا نادیده گرفتن برخی سازه‏های داستانی میسر نمی‏گردد.در یکی از رمانهای کوارلز زاویه دیدهای مختلفی که‏ در بستر داستانی مطرح گشتند تمامی دارای ماهیت عقلانی بودند. این قبیل زاویه دیدها یا باید توسط یک فرد جستجو و ثبت گردد و یا هر انسان باتوجه به شرایط یادشده چون طبقه اجتماعی، سن...باید یک نقطه‏نظر را ارائه دهد و با کنار هم آمدن تعداد کثیری شخصیت داستانی این آراء مطرح گردد.همانطور که پیش‏ از این هم بیان شد گونه‏بندی آراء و کشف حقیقت کاری بس‏ طاقت‏فرساست،چراکه نزدیکی و تشابه نسبی برخی آراء باعث‏ می‏گردد تا در مقاطع بالا شناسایی میان خوبی و بدی یا درست‏ و اشتباه بودن یک دیدگاه مشکل می‏گردد.انتخاب شیوه روایتی‏ بستگی تمام به نویسنده دارد.او در نحوه ارائه اطلاعات موردنظر خود نیز مختار است.شخصیتهای داستانی او نیز در پایان راه یا پایدار می‏مانند یا سقوط می‏کنند و یا دچار تردید و دودلی می‏گردند. از میان شیوه‏های گوناگون انتخاب هر شخصیت برای بیان‏ یک عقیده،مرسوم‏تر است.این افراد برای مجادله و بیان آراء خود نیازمند حضور در یک مکان خاص هستند.این دیدارها یا در یک‏ میهمانی رخ می‏دهد یا بر سر میز شام و یا در اتاق پذیرایی یا... این‏گونه ملاقاتها یا می‏تواند طبق برنامه باشد یا به صورت تصادفی‏ روی دهد.برای سروسامان دادن به بحثها،نویسنده می‏بایست‏ طرح اولیه مدونی را به صورت مکتوب در ابتدا تدوین کند.در این‏ آلدوس هاکسلی‏ مرحله سخنان شخصیتهای داستانی گاه بی‏شباهت‏ به یک مقاله تخصصی نیست.نکته قابل اعتنا و ضروری این است که نزدیکی داستان به قالب و ساختار مقاله تنها در رمان عقاید بلامانع است و در سایر گونه‏های داستانی این کار پذیرفته نیست. بهترین نمونه رمان عقاید،کتاب هاکسلی‏ تحت عنوان«1920»شناخته شده است.البته‏ تمامی آثار هاکسلی در گونه رمان عقاید قرار نمی‏گیرد.از میان آثار او برخی رمانها چون«زرد کرم»«تختخواب آنتیک»و«تمام برگهای‏ بی‏حاصل»از نوع رمان عقاید به‏حساب‏ می‏آیند.از جانب دیگر،در رمان عقاید حضور رمان‏نویس کاملا مشهود است و آنچنان هم‏ نیازی به پنهان‏سازی پشت چهره راوی نیست.فیلیپ کوالز می‏گوید حضور علنی نویسنده در رمان عقاید باعث ضعف کار نمی‏شود.او حتی معتقد است که رمان‏نویس خود را در قالب یکی‏ از شخصیتهای داستانیش قرار دهد و بدین‏ترتیب دیدگاهها و نقطه‏نظرات فردی خود را مطرح سازد.این شخصیت می‏تواند به‏ تفحص بپردازد و برخی آراء را رد و برخی را بپذیرد.اگر بپذیریم‏ که گاه سخنان راوی بیانگر دیدگاههای فردی نویسنده نیست، پس در این مرحله نیز می‏توان شاهد تناقض و ضدیت راوی‏ داستان و شخصیتی که قرار است افکار نویسنده را منتقل سازد باشیم.راوی بیانگر تجاربی است که بدست آمده از سوی بسیاری‏ از انسانها و رویدادهاست.انتقال تجارب سایر انسانها از زبان راوی‏ در عمل ضدیتی با اصول و مبانی اعتقادی نویسنده ندارد هرچند کاملا میان آنها تناقض وجود داشته باشد.تحلیلگران ادبی از نویسنده رمان عقاید توقع دارند تا به دور از تعصبات و قصد و غرض شخصی دیدگاههای مختلف مطرح شده را یکسان با آراء خود منظور دارد و به خواننده این امکان را بدهد تا خود به قضاوت‏ بنشیند.در چنین حالتی رمان عقاید از نوع«باز»است.اما همواره‏ چنین اصلی رعایت نمی‏گردد و نویسنده رمان عقاید در پایان‏ داستان کاری می‏کند تا دیدگاههای شخصیتی که افکار او را حمل‏ می‏کند برتر از سایرین نشان داده شود نویسنده در چنین حالتی‏ خود به قضاوت یک‏سویه می‏نشیند و افکار خود را بر سایر آراء تحمیل می‏کند.در چنین حالتی رمان عقاید از نوع«بسته»است. و اما اگر بپذیریم که نویسنده در داستان حضور علنی داشته‏ باشد باید به یک مقاله‏نویس هم اجازه این کار را داد اصولا همکاری‏ میان نویسنده و مقاله‏نویس تنها در رمان عقاید امکان‏پذیر است. معمولا این دو تن یکی هستند اما گاه دیده شده که یک مقاله‏نویس‏ حقیقی برای پرکردن اطلاعات تخصصی به یاری نویسنده آمده‏ است.مقاله‏نویس داستانی همچون فردی است که در یک فروشگاه‏ بزرگ مستقر گشته و نویسنده چونان خریداری است که برای به‏ دست آوردن نیازهای اولیه خود به او رجوع می‏کند.بدین‏ترتیب‏ آلدوس هاکسلی را هم به‏عنوان یک نویسنده مشهور می‏شناسند و هم به‏عنوان یک تحلیل‏گر قرن بیستم.تلاش نویسنده برای‏ جان بخشیدن به عقاید مطرح شده توسط مقاله‏نویس بستگی‏ تمام به ساختار رمان عقاید دارد.نویسنده باید سعی کند تا بیشتر به طرح مسائل روز و جدید بپردازد.به عبارتی دیگر رمان عقاید باید تصویرگر مسائل معاصر باشد و آنچنان خود را مقید به بررسی‏ آرایی که نقشی در شکل‏گیری دنیای معاصر ندارند نکند.

 منبع

IdeasṣFredrickyṣHoffman.Aldous Hualey and the Novel of پیچیدگیهای‏ تصنعی و کاذبی‏ که برخی‏ نحله‏های ادبی‏ معاصر چون‏ پست‏مدرنیسم‏ به راه انداختند نمی‏تواند در ساخت رمان‏ عقاید مفید واقع‏ گردد رمان‏ عقاید خود را موظف به تفسیر و توصیف حالات‏ گوناگون انسانها می‏داند،بدین‏ ترتیب بازگویی‏ مسائل با زبان‏ تمثیل و یا نادیده گرفتن‏ برخی سازه‏های‏ داستانی میسر نمی‏گردد